نگاه







ما از نظر انسجام داخلی شـرایط متزلزلی داشتیم. اما با یک وحدت همگانــی در مقابل ارتش متجاوز

ایســـتادگی کرده و اجازه تعرض به ایران را ندادیم.

حال می تــوان گفت کــه این مردم مشــار کتجو

•اتفاقاً تناقض در همین مثالهایی که اشاره

کردید، نمایان می شود. مردمی که برای سرنگونی حکومت وقت یا دفاع از کشور

خـود حاضـر به ایثــار و فــداکاری هســتند،

. جنگُل هــا و منَّابع طبیعــی نه تنها اســتقبالی از خــود نشــان نمی دهنــد، بلکه بــه دعوت

منفی می دهند؟ ایس تضاد در رفتار را چگونه

مردم ایران براساس مستندات تاریخی صریحی

که در اختیار داریم، هم جامعه پذیر هستند و هم مشار کتجو، اما مشار کتطلبی آنها مانند

تمام انسان ها وابسته به آموزش هایی است که در

محیطهای جامعه پذیری به آنها ارایه می شـود. در

فرآیند جامعهپذیری و شهروندســـازی ما ضعفها،

نواقص و کاستی های جدی داریم که بیشتر این نواقص مربوط به حوزه تبلیغی و آموزشی است.

روحیه اصلی افراد در دوران کودکی و حداکثر تا نوجوانی شکل می گیرد. لذا وقتی ما آموزشهای

. لازم برای مســئولیت پذیری به کــودکان خود در

. بحیطهایی چــون خانه و مدرســه به افــراد ارایه

مىدهيم، چگونه مى تــُوان اُميدوار بــود كه اُين

فرد در جوانی و بزرگسالی از مشارکت در امور

مسئولیت، ضرورت حضور مثبت در فعالیتهای جمعی و اجتماعی، مساعدت به آدمهای پیرامونی،

مشارکت در امور داوطلبانه، لـزوم حضور در امو

خيريــه و كارهايي كه منافع جمعــي يك جامعه را

تامین می کند، نیازمند به آموزش است. متاسفانه ما در حوزه آموزش و فرهنگ سازی

ضعفهای اصلی و جدی داریم و وقتی به دلیل این ضعفها افراد استقبالی از کارهای جمعی

نمی کننسد، می گوییسم ایرانیان مشسار کت طلب و

. ما در هر زمانی که توانســتیم حساسیت جامعه

را برانگیخته و تمرکز اصلی مردم را به یک موضوع جلب کنیم، مانند دوران انقلاب و جنگ که مردم

به ضـرورت حضور جــدی در صحنه یــی بردند،

مشارکت خوبی را از سوی اقسار مختلف شاهد

. ۱۳۰۰ امــا در حوزههایی چون نظــم عمومی، ضرورت

رعایت قانون، ضرورت رعایست و احترام به حقوق دیگران، حفاظت از منابع طبیعی و محیط زیست،

کمیک به نیازمندان و... بهدلیل این که در

محیطهای جامعهپذیری رســمی و غیررسـ

گرفتار ضعف آموزشی و فرهنگ سیاری هستب

هطورطبیعــی مردم اســتقبالی از مشــار *ک*ت در ایسن امسور نمی کننسد. بنابراین این گونه نیا

ایس السور علمی تحصیب جبرین ... ر ... کــه عدممشـــار کتطلبی در ذات ایرانیان باشـــد و بســـیاری از صاحبنظــران و تحلیلگــران روابط

اجتماعی نیز چنین اعتقادی ندارند.

مشار کتجو نیستند.

ر اجتماعی استقبال کند. مباحثی چون احم

گروههای غیردولتی و NGOها نیز پاس

چگونه در امــور داوطلبانه ماننـ

سی توان تحلیل کرد؟

حفاظت از

مشارکت نمی کنند؟ قطعا این گونیه نس

۔ د و در اموری که منافع کل را تامین می کند،

گفتوگوبااسماعیل چراغی، جامعهشناس

درتربیت شهروندمشارکت جومشکل داریم

طرحنو | امیر توحید فاضل | میزان مشــار کت مردم ایران در امور اجتماعی بهویژه کارهای داوطلبانه در

مقایسنه با برخی از جوامه توسعه یافته، اندک است. به همین دلیل طی سالهای اخیر صاحبنظران بــه دنبال یافتن چرایــی این رویکرداجتماعــی در ایران بوده و این پرســش رامطــرح می کنند که چرا

ایرانیان گرایشــی به کارهــای جمعی و اجتماعــی ندارند. در مقابل بر خی از کارشناســان با اســتناد به مثال های تاریخی، روحیه مشــار کتطلبی ایرانیان را مثبت ارزیابی کرده و دلیل کاهش مشــار کت آنها

در امور اجتماعی آمىروز را در جاهای دیگری می بینند. موضوع میزان جامعه پذیری ایرانیان دســـتمایه گفتوگویی با اســماعیل چراغی، جامعهشــناس و اســتاد حوزه و دانشــگاه بود که بخشهایی از آن را

•برای شـروع بحـث ابتـدا لازم اسـت که . رسی تعریفــی از جامعه پذیــری داشــته باشــیم؟

تعريف شما از اين اصطلاح چيست؟ جامعه پذیری فرآیندی است که طی آن افراد یک بات پہیراں رہا جامعہ کے بەدلایل مختلف اعلم از ملی، مذَّهبی، قومـــی و... با هـــم ار تبــاط دار نــد، از آموز شهایی د می شــوند تــا بتواننــد فرهنــگ غالب و حاکم آن جامعه را قبول کرده و براساس فرهنگ پذیرفته شده، شخصیت یافته و در همان چارچوب عمل كنند اساتيد جامعه شناسيي معتقدند كه ت جامعه پذیری در حقیقت فر آیند ورود به گروههای انسانی است. این فرآیند نیز بر مُبنای ارتباط و آموزش استوار است. ارتباط و آموزشیی که ابتدا ِ خانواده و توسیط پدر و مادر و نزدیکان شیکل گرفته و رفته رفته فرد با ورود به جوامع كوچك ـــــ ــه، دانشــگاه و ســپس مح کاری و دریافت آموزههایی از عناصر آموزشی کشورهای اسلامی) و... قرار دادهای اجتماعی را ،رک کرده و در نهایت با جامعهٔ پذیر شدن فرد، وی آماده مشارکت در امور اجتماعی و فعال میشود.

• بنابراين جامعهُ پُذير شدن افراد اكتسابي بوده و نیازمند دریافت یک سلسله آموزشها

دقیقا. جامعه پذیسری افسراد وابسستگی کامل به عوامل و محیط های اجتماعی دارد. در علم برامعه شناسی، محیطهای جامعه پذیری به چند بخش تقسیم شدهاند، که عبارت است از خانه، ه، مراکز آموزشی و محیطهای دینی که در کشــورها و جوامعاســلامي مي توان به مساجد، هیات های مُذهبی، بقاع متبرکه و امامزاده ها، رسانه ها، گروه های همسال و مراکز شغلی اشاره کرد. افساد با حضور در ایس محیط ها، به طور مستقیم و غیر مستقیم، آموزههای لازم برای جامعه پذیرشدن را دریافت می کنند.

• جامعه ما طی سالهای اخیر در گیر نوعی فردگرایی شده است. فکر می کنید دلیلش در کاستی فر آیند آموزشی جامعهپذیری در كشور نيست؟

--بــش از آن که به این پرســش پاس لازم است که نقدی بهبرخی اظهارات و نظرها مبنى بسر اين كه ايرانيسان جامعه پذير نيس داشته باشیم. با تعریفی که از جامعه پذیری ارایه شد، باید گفت که بیان نظراتی چون «ایرانیان جامعەيذىي نىسىتند، صحيح نيس ما نیز مانند هر مردم دیگری در یک خانواده متولد شده و در ابتدا آموزههایی را از پدر و مادر دريافت مي كنيم. سيس بارسيد ربه ٧ سالگي یا مدرسه می رویم و سیس دوران خدمت سربازی و درنهایت نیز شیغلی را انتخاب کرده و تشکیل خانواده می دهیم. تمام این دوران نشان دهنده این است که فرآیند جامعه پذیری برای مشارکتجویی شمهروندان در محیطهای . جامعه پذیری ارایه می شود، پرسشی اساسی است که باید با دقت بررسی و به آن پاسخ داده شـود. همانطور که پیش از این نیز گفته شـد،

حیطهای جامعهپذیری به ۲ گروه کلی رسمی و غیررسـمی تقسـیم میشـوند. محیطهـای رسـمی مانند مدارس و دانشـگاهها هستند که آموزشهای مستقیمی را به افسراد ارایه کرده برسش منفی است. و فرآیند تربیت و یادگیری در آنجا شکل

محیطهای غیررسمی نینز اعمم از گروههای همسال، طرفداران یک تیم ورزشیی، گروههای ورزشی مانند تیمهای کوهنوردی است که در آن نیز آموزشهایسی را افراد فرامی گیرند. متاسسفانه من معتقدم که ما دارای محیطهای جامعه پذیری هستیم، اما در ایس محیطها اعم از رسمی و می، آموزشها بــرای این کــه تربیت یک ... شهروند مشار کتجو بهخوبی محقق شود، صحیح

> • این کـه مردم یـک جامعـه ماننـد ایران جامعه پذیر باشند، آیاالزاما به این معنی اسّ که مشار کتجو هم هستند؟

مىخوانىد:

انسانها بهطورطبيعسى و ذاتسى داراى روحيه اجتماعــی بوده و گرایــش به زندگــی اجتماعی و کارهای جمعی دارند. اساســا در دنیای امروز هیچ کاری بدون مشارکت تحقق نمییابد. مًا دیگر مانند دُوران ابتدایی زندگی انس

زمین، نیازهای خـود را بهصورت فـردی بر آورده نمی کنیم. اگر نگاهی به زندگی روزمسره افراد در پیشـرفتهترین و توسـعهیافتهترین کشــور تا

تمام زندگی آنها بر پایه روابط اجتماعی و جمعی شکل می گیرد. اما آیا همه انسانها در تمام جوامع اركتجو هم هســتند، بهطور قطع پاسخ اين

، پیش از آن که پرسش اصلی مبنیبر این *ک*ه «چرا ایرانیان در دوره کنونی استقبال زیادی از کارهای جمعی و مشار کتهای اجتماعی ندارند و بیشتر به محافیل و گعده ها گرایش دارند؟» را مطرح كنيم، لازم اسـت اين سوال پاسخ داده شود که آیا شرکت در امور جمعی با فرهنگ سنتی ایرانیان سازگار است؟

۔ چرا مسردم مسا نبایسد فرهنگ کارهسای جم و اجتماعی داشته باشند؟ همان طور که گفته ر می تــوان بیان کرد. مانند انقلاب اســـلامی که واقعهای ملموس و مربوط به تاریخ معاصر است. در وران انقسلاب در حالی که بسسیاری از قدرتهای جهانی نمی خواستند رژیم حاکم دستخوش تغییر ۔ ـود، مردم ایران بــه این نتیجه جمعی رس که تــداوم حاکمیت رژیم، منابع دینــی و ملی آنها را تامین نکرده و به همین دلیل در یک حرکت جُمعی و انقلابی، اُساس حکومت را ساقط کردند. بلافاصله پس از انقلاب اسلامی نیز شاهد تجاوز

به کشــور بودیم و این تجاوز زمانی انجام شــد که

• جامعه پذیری افراد وابســتگی کامل به عوامــل و محیطهای اجتماعــی دارد. در علم جامعه شناسی، محیطهای جامعه پذیری به چند بخش تقسیم شدهاند، که عبارت است ـه، مراکز آموزشــی و مُحیطهای دینی که در کشــورها و جوامعاًسلامی می توان به مساجد، هیاتهای مذهبی، بقاع متبر که و امامزادهها، رسانهها، گروههای ال و مراکز شمغلی اشاره کرد. افراد با حضور در این محیطها، به طور مستقیم و غیرمستقیم، آموزههای لازم برای جامعه پذیرشدن را دریافت می کنند.

•من معتقدم که ما دارای محیطهای جامعه پذیری هستیم، اما در این محیطها اعم از رسمی و غیررسـمی، اُموزشها برای این که تربیت یک شــهروند مُشاَّر کتجو به خوییُ محقق شود، صحیح نیست.

ه مباحثی چون احساس مسئولیت، ضرورت حضور مثبت در فعالیت های جمعی و اعدت به آدمهای پیرامونی، مشارکت در امور داوطلبانه، لزوم حضور در امور خیریه و کارهایــی که منافع جمعی یک جامعه را تامین می کند، نیازمند به آموزش است. متاسفانه ما در حوزه آموزش و فرهنگ سازی ضعفهای اصلی و جدی داریم.

می توان بدون مراجعه به محاکم دادگســتری نسبت به حل وفصل آن گام برداشت. پس جایگاه ارزشمنداین شکل از کنشگری اجتماعی توسط رور ... کی می کود و اما نکته ای که باید به آن توجه داشت این است که چه تعداد و میزان از وکلای دادگستری در این حوزه فعال یا یری رز پیگیر آن هستند. متاسفانه آمارها در این عرصه نگران کننده و تاسفبار است زیرا بهرغم گسترش وسيع رشته حقوق، انبوه فارغالتحصيلان اين حوزه و تعداد وسیع و کلای دادگستری، صرفا به اندازه انگشتان یک دست و کیل در حوزه . کنشگری اجتماعی پیدا می شـود که مشتاقانه پیگیر مسائل اجتماعی اند و این میزان در قیاس پ آگر کشورها کم و موجب نگرانی است. انتظار با دیگر کشورها کم و موجب نگرانی است. انتظار از یک وکیل این است که با شناخت از درد جامعه ر. ر ... ر ... در دفاع از شهروندان آن جامعــه گام بردارد. درست است که تنها منبع و کلاحق الو کاله است، اماً اگر هـر وكيل ١٠درصداز دعـاوي خود را به حوزه کنشگری اجتماعی اختصاص دهد، حجم وسیعی از مشکلات جامعه را می توان حل وفصل

أين نكته رانبايد فراموش كردكه وكالت دعاوى معاضدتی یا و کالت تسـخیری بعضی از دعاوی، ار تباطی باوکلای کنشگری اجتماعی ندارد؛ این و متفاوت و جدای از هم هســـتند. به آن خاطر که در کنشگری اجتماعی، فرد دنبال حل وفصل ر يبهاي اجتماعيي اس نسخیری یا معاضدتی، و کیل با معرفی دادگاه یا کانون و کلای، در دفاع از یک شــهروند برای یک پرونده خاص، اقدام می کند. اگرچه این موضوع قابل تحسین است، اما نمی تواند خلاً کنشگری جتماعی ایر کند

در حال حاضر، باید بررسی کسرد که وضع تمکین بـه قانــون و اطاعــت از آن در بعضی از حوزهها مثل راهنمایی و رانندگی، کودکان کار، کـودک آزاری، پدیده طلاق یا منشــاْ آن و اصلا همین پدیده اسیدپاشی، افزایش جرایم، موضوع موادمخدر و بسیاری از موارد دیگر، به چه صُورت است و و کلای داد گستری برای حل آنها چه گامی برداشتهاند و تاچه اندازه بر مبنای جامعه پذیری رشته خود را پی گرفتهاند.

درحالحاضر، حجم وسيعى از قوانين و مقررات در کشور مان داریو که بستاری از آنها متروک است یا در کل شهروندان از این قوانین اطلاعی

باعث اعتماد نسهورندان تراسلسجامعه پذیری تماملی بین و کادا قومقشائید به آن قشری میشود که و کادا قومقشائید و تماملی بین و کوداد قومقشائید در مسیر مشارکتهای و و توجه به دغدغههای مردماز و سایر نهادهای اجتماعی و سایر نهادهای اجتماعی ر سے پر مہدسے کی مصنے برای فرھنے عمومی حقوق يكسوموجب خروج جامعه وای بر و جامعه پذیری آن در کشور و از بی توجهی می شودواز سوى ديگر فعالان حوزه هاى شُناخت از قُوانين برقُرار شُدُهُ است؟ من بارها به این موضوع درفعاليتهاى اجتماعي اشــاره کردهام که بهتر اس سُوق می دهدوهمچنین باعثاعتمادشهروندان به آن براى تحقق حقوقشهروندى واجبرا شبدن فصل سبوماز قشریمیشودگهدرمسیر مشارکتهایاجتماعیمرده قُانون اُساســى (فصل حقُّوقَ ملت)-که رئیس جمهوری نیز حرکت کردهاند (دراین جا وعده تحقق آن را داده است-ا وکُلاوحقُوقدانان)؛بهاین معناکه کسانیهستندتادر کتب دبســتان تا دبیر ســتان به بحث شناخت قوانین و چارچوبقانون،مدافعویارای حقوقی آنان–بدون هر نوع چشمداشتی-باشند حقــوق شــهروندان پرداخته رب بهروندن پرداخته شــود تا دانشآموزان از همان

سنین کم با قوانین آشنا شده و در نتیجه این آشنایی به گسترش فرهنگ احترام به قانون و قانونگرایی

مُتاسـفانه نوعی بینش و نگاه نس جامعه ما یــه وجود آمده که نگاهی مادی اس يشتر اين نگرشُ بر اثر تبليغات منفى عليه وكلا ایجاد شده است. اگر ما از رسانه ها در مس استفاده كنيم و تعاملي بين رسانه و وكالت براي فعال كسردن كنشسكري اجتماعي ايجاد شس جامعه پذیریبیشتری شکل خواهد گرفتوشاهُد تربيت و فعاليت و كلايى خواهيم بود كه نس مسائل اجتماعي دغدغهو يژهاي دارند.



جامعه پذیری در سایه همکاری رسانه و و کالت

جامعه پذیری از مبانی است که مطابق آن، فرد قوانین و رفتارهای مناسب یک زندگی اجتماعی ت می آور د و با توجه بــه بازخور دهای دریافت شده، برای یک زندگی کار آمد آماده میشود. اقشار مختلف بهصورت نانوشته باید این موارد را در اولویــت زندگی خود قرار دهند. وکلای دادگستری هم بر حسب قسمنامهای کے پاد کردہاند و تعہدی که به عندوان یک وكيل يا حقوقدان دارند، مكلفند تا بر مبناي . جامعه پذیری فعالیت کنند و نس پذیرش دعاوی درسال-حداقل-دو تا سه مورد مُورِت رايــُعّانُ قبول وكالتّ كنند. از ســوُى دیگر، حقوقدانان قشری هستند که نسبت به قانون، حق و حقوق در جامعه آشنایی و شناخت دارند و در بسیاری از جوامع حقوقدانانی مثل «ماندلا»، «گاندی» و افراد بزرگ دیگری بودهاند که از روشنگران و کنشگران عظیم اجتماعی آن جوامعٌ به شمار آمدهاند.

بوسی به سیار است. در جامعـه ایـران دردهـا، آلام، معضلات و مشـکلات اجتماعی بسـیاری وجـود دارد که متاسفانه بهطور شایســته به آنها پرداخته نشده است؛ این موضوع ایجاب می کند یک حقوقدان بانگاه موشکاُفانه به مسائل و با توجه به سوگندی که یاد کرده بی توجه از کنار این موارد نگذرد.

کار اصلی یسک وکیل، دفاع از حسق و قانون و دفاع از ستمدیده است. من با توجه به این نگرش و داشتن این بینش-در این چندسال-بهصورت رايكان وباافتخار تمام وكالت كودكان ين أَبَادُهُ، «كودكانُ قرباني مُين»، «كودكان کار» و کودکانی که دچار آسیبهای اجتماعی و تَقْصُيراُت پزشكى مثل موضوع اشوخان، شدهاند را برعهده گرفتهام و با تعامل سازندهای که بااصحاب رسانه در این راستا دان توانستيم احقاق حق كنيسم و حقوق اين

ر ... ستمدیدگانرابستانیم. حركت براساس جامعه پذيسري و توجه به دغدغههای مردم از یکسو موجب خروج جامعه از بی توجهی می شـود و از سـوی دیگـر فعالان موزههای مختلف را به سیمت مشیار کت در فعاليتهاى اجتماعي سوق مىدهد و همچنين

ر مسير مشاركتهای جتماعي مردم حركت کردهاند (در اینجا وکلاو عقوقدانان)؛ بسه این معنا که کسانی هســتند تا در چارچوب قانـــون، مدافع و بارای حقوقی آنان- بدون هر نــوع چشمداشــتى-

مشاركت مردميي . در حوزههای مختلف مىتواند اثسرات مثبتىبر اخت اجتماعي جامعه ایرانی داشــته باشد؛ به این صورت که حوزه کنشگری

اجتُماعی از یکُسو پویاو از سوی دیگر خلاُهای قانونی، برطرفوحلوفصلخواهدشد.

. به بحیث جامعه بذر ميان حقوقدانان اشاره كني، بايد گفت كه درحال حاضًــر، بالغ بــر ۱۴ميليــون پرونده در محاکم دادگستری در جریان است. حجم وسیع این دعاوی حاکی از معضلات حقوقی و اجتماعی در جامعه است. بنابراین وقتی که در چارچوب کنشگری اجتماعی بسیاری از مسائل از طرف و کلا دنبال می شود، نیازی به اقامه دعوا نخواهد بود، بلکه با کمک مطبوعات، رسانه ها و مسئولان

حسين احمدى نياز STATE